

## توانمندسازی زنان از نگاه امام خمینی (براساس الگوی توماس اسپریگنز)

### مهرنوش خادمی

دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشگرده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
Khademi.mehrnoosh@gmail.com

### سید صدرالدین موسوی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشگرده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
sadrmoosavi@gmail.com

### چکیده

زنان به عنوان نیمی از پیکر اجتماع در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و برای رسیدن به این جایگاه باید به مرحله توانمندسازی خود برسند. هدف توانمندسازی کمک به افراد ضعیف است تا تلاش کنند بر ضعف‌های خود غلبه کنند، جنبه‌های مثبت زندگی‌شان را بهبود ببخشند و مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را برای کنترل عاقلانه بر زندگی افزایش دهند و آن را در عمل اجرا کنند. در جامعه ایران نیز از قدیم تاکنون مسئله زنان مورد بحث بوده است. امام خمینی یکی از اندیشمندان مهم در این زمینه است. در این مقاله از چهارچوب نظری توماس اسپریگنز و بررسی جامعه موجود، جامعه مطلوب و راه‌حل به بررسی توانمندسازی زنان از نگاه امام خمینی پرداخته شده است. مهم‌ترین نتایج نشان می‌دهد که ایجاد حکومت اسلامی و اجرای واقعی قوانین و مقررات آن در جامعه موجب ایجاد زمینه‌های مناسب برای توانمندسازی و ایجاد جایگاه مناسبی برای زنان در جامعه می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** توانمندسازی، امام خمینی، زنان، جامعه موجود، جامعه مطلوب، راه‌حل.

## بیان مسئله

زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. با وجود اینکه حیات و تداوم بقای انسان‌ها همواره در گرو نقش‌آفرینی زنان در خانه و جامعه بوده است، در بسیاری از مقاطع تاریخی و در بسیاری از جوامع زنان تحت ظلم و ستم‌های زیادی قرار گرفتند و در بسیاری از موارد حقوق ایشان تضییع شده است؛ حتی فراتر از آن در بسیاری از موارد علاوه بر حقوق انسانی، به کرامت بانوان نیز تعرض شده و رفتاری دون شأن انسان با ایشان صورت گرفته است. در برخی جوامع نیز تلاش‌هایی برای احقاق حقوق زنان انجام شده، اما به کرامت ایشان توجهی نشده و از زن به‌عنوان ابزاری برای بهره‌مندی‌های اقتصادی و سیاسی سوءاستفاده شده است؛ به همین دلیل با وجود تلاش‌های فکری و سیاسی زیاد و البته ارزشمندی که برای احقاق حق و احیای کرامت زنان صورت گرفته، زنان همچنان در بسیاری از جوامع به جایگاه واقعی و والای خود در جامعه دست نیافته‌اند. خدشه‌دار شدن جایگاه واقعی و ارزشمند زنان در جوامع امروزی از سوی طیف گسترده‌ای از افراد و مکاتب صورت گرفته که یک سوی آن تضییع حقوق اولیه و مسلم زنان در عرصه‌های فردی و اجتماعی بوده و سوی دیگر آن افراط در برابری، تساوی و تشابه با مردان است که ویژگی‌های فیزیولوژیک، عاطفی و رفتاری متمایز زنان از مردان را نادیده گرفته و بدین ترتیب شأن، جایگاه، کرامت و البته حقوق ویژه زنان را زیر پا گذاشته است، اما در طول تاریخ و در ایران، زنان از افرادی که در حاشیه قرار داشتند، به تدریج به کنشگران فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل شده‌اند و این تحول در جایگاه زن، به‌ویژه در چهل سال گذشته تا حدود زیادی مدیون توانمندسازی آن‌ها مبتنی بر آرای حضرت امام خمینی بوده است. دغدغه اصلی این مقاله بررسی مبحث توانمندسازی زنان در جامعه و بیان موانع ساختاری، عرفی و قانونی در جامعه است.

## چهارچوب نظری

در این مقاله، از چهارچوب استدلالی توماس اسپریگنز و تحلیل اسنادی استفاده شد. راه‌ها و روش‌های متفاوتی برای رسیدن به حقیقت و کسب معرفت به آن وجود دارد. در این میان یکی از روش‌های تحقیق که محقق را برای رسیدن به حقیقت یاری می‌دهد، استفاده از روش تحلیل اسنادی است. این روش به پژوهشگر کمک می‌کند روابطی را که میان حقایق در دنیای ممکن وجود دارد، از جمله روابط پیوندی میان گزاره‌های موجود در شالوده یک متن منسجم، روابط

میان ارجاعات در یک متن، روابط میان متن و سند و نیز وجود روابط میان رفتارهای پژوهشی و الگوهای رفتاری محققان کشف کند. روش اسپریگنز شامل سه مرحله جامعه موجود، جامعه مطلوب و ارائه راه حل است.

### جامعه موجود

وقتی اوضاع آشفته شود و فهم مسائل به سادگی میسر نباشد، مردم بیشتر تمایل دارند تا به باورهای که قبلاً حقیقت تلقی می کردند، با تردید نگاه کنند. ممکن است به سختی بتوان درباره باورهای که پذیرفته شده اند تردید داشت، اما وقتی همین باورها سبب دردسر می شوند، تردید داشتن درباره آن ها کاملاً آسان است. بحران هایی که به نظریه پردازی می انجامند، به اشکال متعدد ظاهر می شوند. بحران ممکن است برای همه روشن باشد، تمام افراد جامعه را شامل شود و بر زندگی همه اثر بگذارد. درهم گسیختگی ها و مصیبت های گسترده ای که به صورت جنگ های داخلی و بحران های اقتصادی جوامع انسانی را گرفتار می کند، مثال های بسیار واضحی است. گاهی همه قبول دارند که جامعه با مشکلاتی مواجه است، اما در شناسایی مشکل اصلی اتفاق نظری وجود ندارد. بحران های دیگر ممکن است بسیار محدود پنهان بوده و به سادگی برای متصدیان در نظام سیاسی قابل لمس نباشد. چه بسا گروهی ممکن است فکر کنند اصلاً مشکلی وجود ندارد؛ بنابراین اختلاف نظر از همان جا آغاز شود؛ از این رو بحرانی که نظریه سیاسی را موجب می شود، ممکن است در بعضی مواقع محلی و فردی باشد و نه کلی و عالم گیر. هدف نظریه های سیاسی در نهایت فهم و توضیح نظم صحیح در جامعه است، اما این هدف از مشاهده خرابی و بی نظمی آغاز می شود (اسپریگنز، ۱۳۸۲: ۴۳-۶۵).

### جامعه مطلوب

مشاهده بی نظمی، غیر از مشکل تشخیص علل، مسئله دیگری را نیز مطرح می کند. این مسئله موضوع نظم سیاسی درست است. کوشش نظریه پرداز برای نشان دادن تصویر جامعه سیاسی نظم یافته در نقطه مقابل مشاهده او از بی نظمی ادامه می یابد. فشارها، بحران ها، درهم ریختگی ها و نابسامانی های نظام قدیم نظریه پرداز را وادار می کنند تا در فکر خود به بازسازی نظام سیاسی جدید بپردازد. البته نظریه پرداز مجبور نیست جامعه جدید را بسازد؛ زیرا این کار وظیفه مصلحان و مردان عمل است، اما او باید الگوی جامعه خوب را در ذهن خود مجسم کند و معیاری هم

از آن به دست دهد. با این تعبیر، نظریه‌های سیاسی «تصویرهایی نمادین از جامعه بازسازی شده ارائه می‌دهند». او صرفاً دنیا را آن‌طور که وجود دارد، توصیف نمی‌کند؛ مسلماً از توصیف جهان آغاز می‌کند، اما باید جهان را آن‌طور که باید باشد نیز «تعریف کند». او با دقت نابسامانی‌ها و بحران‌های سیاسی را بررسی می‌کند و سپس طرحی ارائه می‌دهد که در آن تمام این نابسامانی‌ها رفع شده‌اند. بازسازی ذهنی جامعه به کمک تصویر آرمانی نظریه در پی حقایق دربارۀ دنیا، سیاست و انسان است (اسپرینگز، ۱۳۸۲: ۸۰-۱۱۵).

## ارائه راه درمان

در دنیای واقعی که مردم زندگی می‌کنند، اگر همه چیز عاقلانه باشد، راه‌حل‌های تجویزی مستلزم داشتن بنیان‌های متکی بر حقیقت هستند. به دلیل خصوصیت ویژه آدمی و بهنجاری تمایلات انسان، حتی اگر نظریه پرداز به‌طور تجویزی صحبت نکند، حرف‌هایش اثر تجویزی خواهد داشت. اینکه آیا تدبیر «عقلانی» است یا نه (آیا عکس‌العمل مناسبی در مقابله با موضوع مورد بحث وجود دارد) در بیشتر موارد ارتباط مستقیمی با جواب دادن به این سؤال دارد که آیا مردم بالقوه موجوداتی شاد، دوست‌داشتنی، مهربان و اجتماعی هستند؟ اگر این‌طور است، پس مردمان بی‌شمار ناراضی، غیراجتماعی و غیر دوست‌داشتنی محصول محیط اجتماعی و نهادهای سیاسی هستند؛ بنابراین برای کسانی که این مسئله مهم است، واضح، مناسب و حتی تکلیف است که برای تغییر یا نابودی کامل این نهادهای سیاسی مخرب بکوشند. آیا برعکس، مردم موجوداتی بالقوه جنایتکار، تجاوزگر به‌عنف و مستبدند؟ اگر چنین است، سابقه ساخت‌های سیاسی موجود بهتر جلوه خواهد کرد. برداشت‌ها از قابلیت انسان در بیشتر موارد به قضاوت دربارۀ آنچه در گستره سیاست «امکان دارد»، مربوط است؛ از این‌رو ارزیابی دقیق از افق امکانات در سیاست به‌وضوح برای تجویزهای سیاسی محکم و سرنوشت‌ساز است. جنبه تجویزی نظریه‌های سیاسی از قضاوت دربارۀ آنچه «ضروری» یا «اجتناب‌ناپذیر» است، ریشه می‌گیرد. اگر تجویزهای سیاسی می‌خواهند واقع‌گرا و در نتیجه اجباری باشند، باید به محدودیت‌هایی که جهان خارج بر تمهیدات بشر تحمیل می‌کند، توجه کنند. هدف برخی از راه‌حل‌های تجویزی این است که تدابیر سیاسی صحیح باید برخی واقعیت‌های ضروری و انکار‌نشدنی زندگی را در نظر بگیرند. در این حالت «بایدها» از «هست‌ها» استنتاج نشده‌اند، بلکه واقعیت‌ها نشان می‌دهند که اجرای «بایدها» اعمالی بی‌ثمرند. همچنین تدابیر سیاسی مناسب باید آنچه را که «از نظر جامعه‌شناسی

محتوم قلمداد می‌شود» مدنظر قرار دهند. اگر جامعه انسانی جنبه‌ها و شرایطی دارد که برای بقای آن ضروری است؛ بنابراین کسانی که راه حل سیاسی تجویز می‌کنند، باید این جنبه‌ها را در نظر بگیرند. چگونگی استفاده از این سه مرحله در این مقاله بدین صورت است که ابتدا به وضعیت موجود توانمندسازی زنان در جمهوری اسلامی و علل و ریشه‌های این وضعیت پرداخته می‌شود. سپس وضع مطلوب توانمندسازی زنان از نگاه امام بررسی شده و در پایان راهکارهای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب از نگاه ایشان تحلیل شده است (اسپریگنز، ۱۳۸۲: ۱۵۴-۱۸۰).

### مرحله اول: وضعیت موجود زنان

براساس مرحله اول نظریه توماس اسپریگنز به بررسی وضعیت موجود زنان در جمهوری اسلامی از نگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> پرداخته شده است. در این راستا، مواردی که در راه توانمندسازی زنان مؤثر است، مانند آزادی، تعلیم و تربیت، مشارکت و حضور سیاسی، فعالیت اقتصادی و فرهنگی بررسی شده است. امام خمینی<sup>(ره)</sup> همواره بر این عقیده بودند که شأن انسانی زن و مرد یکسان است و هیچ‌یک از دیگری بالاتر یا در سایه دیگری نیست. ایشان شخصیت فردی زن را به‌عنوان موجودی ثانوی قلمداد نمی‌کنند و در مقایسه با مرد هیچ‌گاه شأنی پایین‌تر برای او قائل نیستند، بلکه معتقدند شخصیت زن اگر بالاتر از مرد نباشد، حداقل برابر است و مردان هیچ برتری و منزلتی بر زن ندارند. اگر هم تفاوتی در احکام وجود دارد، به دلیل نقش متفاوتی است که در نظام خلقت بر عهده هر دو گذاشته شده و این تفاوت، دلیل برتری یکی بر دیگری نیست (مکتبی، ۱۳۸۷: ۴۰). نگاه امام، همسانی زن و مرد و مسئولیت مشترک آنان در حوزه عمل بانوان به‌ویژه در زمینه‌های حضور اجتماعی است. مظاهر حضور اجتماعی اعم از تلاش‌های فرهنگی، آموزشی، سیاسی، تحصیل، اشتغال و تولیدات صنعتی، کشاورزی، دامی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی با «حفظ جهات شرعی» به جنس خاصی اختصاص ندارد و زنان نیز حق پرداختن به آن‌ها را دارند و در بسیاری موارد این امر تکلیف دینی و اجتماعی آنان به شمار می‌رود. تلاش حضرت امام نیز طی این سال‌های مبارزه و پس از آن، از جایگاه مرجعی بزرگ و رهبری که فقط و فقط از موضوع احکام دین و تکالیف اسلامی سخن می‌گوید، مصروف این شد که بانوان را به صحنه آورد و از قید و بندهای خرافی و محرومیت‌های خودساخته که بر تلاش اجتماعی و نقش‌آفرینی آنان با توطئه دشمنان و ناآگاهی توسط برخی دوستان بسته‌شده بود بگشاید و آنان را به مرحله‌ای از رشد و بالندگی برساند (مرتضوی، ۱۳۷۸: ۱۰۳). ایشان در ردیف یکی از افتخارات خود و جامعه

اسلامی در آغاز وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش می‌فرماید:

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۳۹۷-۳۹۸).

در راستای تحولی که در ملت و زنان ایران به دنبال انقلاب اسلامی ایجاد شده بود، زنان توانسته بودند خود را از یوغ آزادی شاه مخلوع خارج کنند. همچنین در راه پیروزی انقلاب گام‌های بسیاری برداشته بودند. امام خمینی<sup>(ع)</sup> بارها در بیانات مختلف از حضور و همراهی بانوان تشکر و قدردانی کردند و معتقد بودند این زنان بودند که در راه پیروی انقلاب اسلامی و بعد از آن زحمات بسیار کشیده‌اند و بسیار تأثیرگذار بوده‌اند و این زنان بودند که مردان را به میدان‌ها آوردند. ایشان در همین راستا می‌فرمایند:

دروود بر شما بانوان معظم که با نصیحت‌های خودتان می‌خواهید ما را به راه راست وادارید. درود بر بانوان سراسر کشور که در این نهضت شریف معلم مردان بودند و حالا هم به همان نحو باقی ماندند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۹۶).

باید به این نکته توجه داشت که ایشان عامل اساسی در حرکت و قیام خودشان و استقلال آن را حضور و فداکاری بانوان می‌شمارند؛ یعنی حضور و حرکت زنان، انگیزه حرکت امام و ادامه آن نکته‌ای بود که حضرت امام در سیزدهم بهمن ۵۷ یک روز بعد از بازگشت به ایران یادآور شدند:

روز سکوت نیست، روز فعالیت است. هرکس در هر منصبی که هست، در هر مقامی که هستند، نباید ساکت باشد. این فریادی که این‌ها می‌زنند، زن‌ها را شما ببینید چه فریاد می‌زنند، مردها چه فریاد می‌زنند، این‌ها پشتوانه شما هستند. «شکرالله سعیهم» اگر این‌ها نبودند، ما هیچ قدمی بر نمی‌داشتیم، این‌ها ایند که

من را وادار می‌کنند به قدم برداشتن (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۳). و این است که یک ماه پس از آن درحالی که انقلاب روزهای نخست پیروزی را می‌گذراند، همه را مرهون بانوان می‌شمارند. ما همگی مرهون شجاعت‌های شما زنان شیردل هستیم (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۲۹۹-۳۰۰).

از نگاه اسلام نیز زنان جایگاه والا و مهمی در جامعه دارند. اسلام در تمام جهت بیش از هرکس مراعات بانوان را کرده و احترام به حیات اجتماعی و اخلاقی آن‌ها موجب شده است از این نحوه اختلاط مخالف با عفت و تقوای زن جلوگیری کند؛ نه آنکه خدای نخواستہ آن‌ها را مانند مجبورین و محکومین قرار دهد (روحانی، ۱۳۸۹: ۳۰۱). در نگاه حضرت امام<sup>(ع)</sup>، اسلام برای زنان جایگاه رفیعی در جامعه در نظر گرفته است و درصورت اجرای اسلام در جامعه زنان به آن جایگاه واقعی خود نائل می‌شوند و می‌توانند در راستای توانمندسازی خود گام‌های مؤثری بردارند. ایشان بارها به نگاه اسلام به زنان در سخنرانی‌های خود پرداخته است. از جمله اینکه:

اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آن‌قدر که اسلام به زن خدمت کرده، خدا می‌داند به مردم خدمت نکرده. آن‌قدر که به زن خدمت کرده است. شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بود و در اسلام چه شد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۲۸-۴۲۷). اسلام به زن خدمتی کرده است که در تاریخ همچو سابقه‌ای ندارد. اسلام زن را از تو لجنزارها برداشته آورده شخصیت به او داده (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۲۸). اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات، بلکه پایین‌تر از او می‌شمردند. زن در جاهلیت مظلوم بود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۳۳۸). به بیان دیگر اسلام زن‌ها را دستشان گرفته آورده در قبال مردها نگه داشته؛ اسلام زن‌ها را قدرت داده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۱۶).

از جمله موارد مورد نیاز برای رسیدن به توانمندسازی زنان در جامعه آزادی است. امام خمینی<sup>(ع)</sup> در سخنان خود علاوه بر آزادی تأکید داشتند که زنان باید شأن و شخصیت خود را باز یافته و از این راه به آزادی دست یابند. این آزادی حق زنان است. همچنین ایشان علاوه بر کسب سایر حقوق معتقد بودند اسلام از ابتدا به دنبال رساندن زنان به مقام و جایگاه اصلی خود در جامعه و دادن آزادی واقعی به آنان بوده است. در ادامه به بیانات امام در این باره اشاره شده است:

زنان آزادند و حقوق آنان محترم شمرده خواهد شد. زنان و مردان باید از نهی از منکر اطاعت کنند. باید از بی‌عفتی و سقوط اخلاقی اجتناب شود، ولی زنان با مردان دارای تساوی حقوق می‌باشند؛ به‌طور مثال در مورد کار و حق رأی (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۲۴۸).

یک احکام خاص مرد است که مناسب با مرد است، یک احکام خاص به زن است، مناسب با زن است. این، نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است. زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند، آزادند در اینکه رأی بدهند، رأی بگیرند. ما می‌خواهیم زن آدم باشد مثل سایر آدم‌ها، انسان باشد مثل سایر انسان‌ها، آزاد باشد مثل سایر آزاده‌ها (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۱۱).

درواقع زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی‌دادن، حق رأی‌گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم دارد، لیکن هم در مرد مواردی است که چیزهایی به‌دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به‌دلیل اینکه مفسده می‌آفریند حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد. اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مردم نباشد. اینکه در خارج منعکس کرده‌اند که در اسلام با زن‌ها با خشونت رفتار می‌شود، امر غیرصحیحی است و تبلیغات باطلی است که از مغرضین حاصل شده؛ والا مرد و زن هر دوشان در اسلام اختیارات دارند. اگر اختلافاتی هست، برای هر دو هست و آن مربوط به طبیعت آنان است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۳).

جلوی آزادی هرگز گرفته نشده است و نمی‌شود و مردم آزادند؛ الا آنجایی که بخواهند تباهی بکنند و بخواهند ملت را به عقب برانند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۱۳۰-۱۳۱).

به بیان دیگر:

دولت اسلامی قهقراگران نیست و با همه مظاهر تمدن موافق است، مگر آنچه به آسایش ملت لطمه وارد آورد و با عفت عمومی ملت منافات داشته باشد. اسلام و آزادی زن نه‌تنها موافق است، بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۴۱۷).

مورد دیگر در راه توانمندسازی زنان تعلیم و تربیت و کسب دانش است. همه عنایتی که حضرت امام به حضور زن مسلمان در عرصه دانش و اندیشه دارند، بدین سبب است که در اندیشه ایشان تحصیل علم و دانش، علاوه بر اینکه به مردان اختصاص ندارد، به عنوان عاملی تحرک‌زا و سازنده، در رشد فکری و حضور مؤثر زنان در جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند (مکتبی، ۱۳۸۷: ۴۴). در زیر به بیاناتی در این راستا اشاره شده است.

امام در جای جای سخنان خویش خطاب به بانوان، بر ضرورت اشتغال به تعلیم و تربیت در سطوح مختلف و نیز تحصیل و تعلم زنان در زمینه‌های مختلف مانند علوم تجربی، صنعت، فرهنگ و ادب، عرفان، فلسفه، فقه، علوم قرآنی و به‌طور کلی تمامی حوزه‌های علوم انسانی بشری تأکید ورزیدند و به مسئولیت زن مسلمان در زمینه کسب دانش و اندیشه در همه سطوح توصیف‌ها و توصیه‌های فراوان داشته‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۴۴). الان ایران تقریباً یک مدرسه شده است و در هر جای ایران که انسان نگاه می‌کند، بانوان آنجا مشغول فعالیت اسلامی، دینی و حتی فعالیت سیاسی هستند، با حفظ عفافشان، باعث شرفشان (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۳۵۹).

امام دخالت در سرنوشت خود و شئون اجتماعی را نه تنها حق بانوان، بلکه تکلیف شرعی و به‌عنوان عمل به وظیفه دینی و اجابت دعوت الهی می‌شمارند و این، آن الگویی است که ما را در شناخت بیشتر دین یاری می‌دهد. یک عامل اساسی در برتری اسلام در تکریم شخصیت زنان و حمایت از حقوق اجتماعی و سیاسی آنان و تأکید بر مشارکت و حضور آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی در مقایسه با دیگر مکاتب و نظام‌هاست. در واقع حضرت امام (ع) در بیانات و سخنرانی‌های خود به این مسئله بسیار توجه داشتند که حضور زنان در عرصه سیاست امری مهم و حیاتی برای پیشرفت و پاسداری انقلاب است. ایشان بر حق دخالت زنان در سرنوشت خویش و حق رأی مانند مردان تأکید داشتند. در زیر بیاناتی در این باره آمده است:

از حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بلکه در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد. مسائلی که با حیثیت و شرافت زن منافات ندارد، آزاد است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۴۸).

امروز است که همه قشرها من جمله زنان در مسائل خودشان، در مسائل کشورشان، در مسائل سیاسی دولت دخالت می‌کنند. به بیانی دیگر، زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زن‌ها در جمهوری اسلامی باید رأی بدهند. همان‌طور که مردان حق رأی دارند زن‌ها حق رأی دارند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۰۰).

همان‌طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند. البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است که بحمدالله امروز در ایران جاری است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۲۶۴).

باید همه زن‌ها به مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند و اظهارنظر بکنند. ملت باید الان همه‌شان ناظر امور باشند، اظهارنظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی. زن‌ها امروز باید همان‌طور که مردها در مسائل واردند، آن‌ها نیز در مسائل وارد باشند و تعلیم و تعلم صحیح داشته باشند و دخالت صحیح در امور بکنند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۱۹۰).

عامل مؤثر دیگر در راه توانمندسازی زنان، مسئله اقتصادی است. براساس اندیشه‌های امام، زنان مسلمان در حوزه‌های گوناگون تولید، توزیع، مصرف و تجارت حق انتخاب کار و شغل دارند و در فعالیت‌های اقتصادی خویش آزادند. نقش اقتصادی زنان، تابعی از نقش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان در جامعه و نظام اسلامی است؛ از این‌رو این نقش در جامعه اسلامی معرف اصل پایگاه زنان در جامعه اسلامی است. هدف از فعالیت‌های اقتصادی زنان، اگرچه به‌عنوان یک هدف جزئی و مرحله‌ای می‌تواند افزایش سطح بهره‌وری مادی و اقتصادی باشد، همین انگیزه و هدف اقتصادی باید در راستای اهداف سیاسی - فرهنگی جامعه و نظام اسلامی در مقولاتی مانند بسط عدالت اجتماعی، رشد و بالندگی، تأمین رفاه عمومی، گسترش فرهنگ و دانش انسانی، توسعه اخلاق و معنویت انسانی باشد (مکتبی، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۳). در ادامه بخشی از سخنان امام در این باره آمده است:

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی،

اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزادمردان... (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۷۲).

بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند، چه فعالیت‌های فرهنگی و چه فعالیت‌های اقتصادی که قشر کثیری از آن‌ها در کشاورزی دخالت دارند و قشر کثیری از آن‌ها در صنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۱۲۰).

### مرحله دوم: وضعیت مطلوب زنان

مرحله دوم از روش اسپریگنز وضعیت مطلوب زنان در جامعه جمهوری اسلامی است که از نگاه امام خمینی<sup>(۵)</sup> بررسی شده است. از نگاه ایشان، اگر زن جایگاه واقعی خود را در اسلام بشناسد و همان گونه که آفرینش ظریف او اقتضا می‌کند و براساس خواسته‌های پروردگارش، استعدادهای خویش را شکوفا کند، سرچشمه ده‌ها خیر و برکت و موجب ایجاد جامعه مطلوب خواهد شد. جامعه مطلوب مورد نظر امام خمینی چنین است:

زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حدشی بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی بر عهده بگیرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۰۰).

تشیع نه تنها زنان را از زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آن‌ها را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد. پیشرفت‌های دنیای غرب را می‌پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می‌کنند، نه (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۵۰۸) در واقع در اسلام اختناق نیست، در اسلام آزادی است برای همه طبقات. برای زن، برای مرد، برای سفید، برای سیاه، برای همه (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۴۵۷).

امام خمینی معتقد بودند که زنان در جامعه مطلوب باید آزاد باشند. آزادی حقیقی در تمامی عرصه‌ها از سیاسی و اجتماعی گرفته تا سازندگی. این آزادی باید در تمامی ابعاد جامعه نمایان باشد تا موجب پیشرفت و بهروزی مملکت و مردم شود. در زیر به بیانات در این قالب پرداخته

شده است.

این آزادی که الان برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسنده‌ها، این آزادی آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شما هست. شما آزادی بیابید بیرون مطالبتان را بگویید، انتقاد از دولت بکنید، انتقاد از هرکس که پایش را کج گذاشت بکنید. هیچ کس نیست که به شما بگوید چرا. بروید در جهاد سازندگی، با ملت خودتان بروید و همراهی کنید. آزادید، می‌روید می‌کنید. تمام چیزهایی که در رشد انسان، در رشد خواهرها و برادرها و این کودکان عزیز، دخالت دارند، این‌ها همه آزاد هستند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۱۸۸).

اسلام شما را آزاد کرده است؛ اسلام مرد و زن را آزاد فرموده است و همه آزادانه باید رأی بدهید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۵۰۱).

درواقع زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۴۷-۲۴۶).

موقعیت زنان در دولت آینده جمهوری اسلامی موقعیت یک انسان صحیح به یک شخصیت آزاد؛ از این به بعد زن‌ها و مردها آزادند، ولی اگر چنانچه بخواهد کاری خلاف عفت بکنند یا خلاف مصلحت بکنند، البته جلوگیری خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۴۸۵).

زن باید از همه آزادی‌ها بهره‌مند باشند. آزادی انتخاب کردن، انتخاب شدن. آزادی آموزش خویشستن و کارکردن و مبادرت به هر نوع فعالیت‌های اقتصادی (سخنرانی در اجتماع زنان مجاهد، ۵۷/۱۲/۱۵).

در جامعه مطلوب مورد نظر امام خمینی، یکی از عرصه‌های حضور اجتماعی که بانوان وظیفه دارند از منظر دینی در آن مشارکت فعال داشته باشند، تلاش در عرصه فرهنگ و تعلیم و تعلم به معنای وسیع کلمه است. حضرت امام، بارها بر این مهم که طبعاً بخش عمده‌ای از حیات اجتماعی را در برمی‌گیرد، تأکید کرده‌اند:

در راستای تعلیم و تعلم، لازم است تمام بی‌سوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاددادن به پاخیزند و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات به پاخیزد و از قرطاسبازی و تشریفات اداری بپرهیزد. برادران و خواهران

ایمانی، برای رفع این نقیصه دردآورد بسیج شوید و ریشه این نقض را از بن برکنید. تعلیم و تعلم عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را برای آن دعوت فرموده است. ائمه جماعت شهرستان‌ها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، باسوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد بدهد و منتظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی، اعضای بی‌سواد را تعلیم کنند و بی‌سوادان از این امر سرپیچی نکنند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۴۴۶-۴۴۷).

جامعه مطلوب امام خمینی<sup>(۹)</sup> از بعد سیاسی، چنین بوده است که ایشان بر حضور فعال زنان در عرصه سیاسی تأکید داشتند؛ برای مثال حضور در مجالس، نظارت بر دولت و... در واقع حضور واقعی در عرصه سیاسی نه تنها حضوری به‌عنوان رأی‌دهنده در پای صندوق‌های رأی. در ادامه به بیاناتی درباره وضعیت مطلوب سیاسی زنان پرداخته شده است. در واقع حضرت امام به مقتضای شناخت همه‌جانبه و عمیقی که از آموزه‌های دینی دارد، رسالت خود و انقلاب اسلامی را دستیابی زنان به مقام والای انسانی می‌داند؛ به گونه‌ای که بتواند در سرنوشت خود دخالت کند:

ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد. زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۱۵۳).

نظارت فعال و متعهدانه بر آنچه در جامعه اسلامی، به‌ویژه در اجزای نظام اسلامی می‌گذرد و تلاش برای حسن جریان امور، وظیفه‌ای است شرعی و متوجه همه افراد جامعه، چه زن و چه مرد. زن نیز باید در نظارت بر امور، خود را مسئول بداند. نظارت مسئولانه علاوه بر آگاهی‌های لازم، نیازمند حضور فعال و اظهارنظر در مسائل است: باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند؛ همه به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهارنظر بکنند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۷۰).

در نگاه امام زن به‌عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال در بنای جامعه اسلامی داشته باشد، ولی نه به‌صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند و در مورد آنچه به نام تفریحات شناخته شده است، اسلام با هر چیزی که انسان به پوچی و ازخود بیگانه‌شدن می‌کشاند مبارزه می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۱۴).

زن مسلمان در اندیشه‌های امام همان‌گونه که در مراحل شکل‌گیری (پیدایش و پیروزی) نهضت اسلامی نقش سیاسی محور دارد، در مراحل نهادی‌شدن نهضت و فرایند تداوم و استمرار انقلاب اسلامی در چارچوب حکومت اسلامی نیز سهم بسزایی دارد. در نظر امام اساساً زن مانند مرد، یک شهروند و یک عضو از مجموعه عناصر و اعضای انسانی جامعه است. زن و مرد، عناصر انسانی جامعه بشری هستند و به واسطه حقوقی که یک انسان در قبال تعیین سرنوشت خویش دارد، هر دو صاحب حق و در عین حال موظف به ساختن جامعه خویش هستند (مکتبی، ۱۳۸۷: ۵۷-۵۸).

یکی دیگر از صحنه‌های مشارکت فراگیر در جامعه مطلوب، مسئله سازندگی همه‌جانبه کشور و جامعه است که هیچ‌کس نباید و نمی‌تواند تردید کند که بدون حضور فعال بانوان جامعه اسلامی بتوان در این مهم توفیق کامل به دست آورد. حضرت امام<sup>(ع)</sup> به این معتقد بود که زنان در کنار و دوشادوش مردان به کار سازندگی و جامعه همت گمارند و چرخه اقتصادی کشور را به حرکت درآورند. ایشان تأکید داشت که زن به‌تنهایی و مرد به‌تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ و در این باره نیز تأکیدهای زیادی داشتند:

زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته؛ چنان‌که به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته‌اند و شما شهر و روستا را نمی‌یابید جز آنکه در آن‌ها جمعیت‌های فرهنگی و علمی از زن‌های متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به وجود آمده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۷۲).

### مرحله سوم: راه درمان گذر از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب

با توجه به سخنرانی‌ها و بیانات امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ایشان راه درمان و گذر از وضعیت موجود تا رسیدن به جامعه مطلوب در راستای توانمندسازی زنان را تشکیل حکومت اسلامی با قوانین اسلامی می‌دانستند. ایشان حکومت اسلامی را در ایران در قالب جمهوری اسلامی تأسیس و بنیان‌گذاری کردند و راه درمان جوامع، البته نه تنها جامعه ایران بلکه حتی مابقی جوامع مسلمان را در تشکیل حکومت اسلامی می‌دانستند. حضرت امام<sup>(ع)</sup> حکومتی مدنظرشان بود که اهم مقاصد و خواسته‌های مردمان مسلمان، به‌ویژه زنان را برآورده کند و به نیازهای آنان پاسخ بگوید. در واقع حکومتی حضرت امام<sup>(ع)</sup> آرزوی آن را داشت، حکومتی بود که پس از تأسیس شدن آن، مایه افتخار و مباهات مردم مسلمان ایران باشد؛ حکومتی که در آن زنان به جایگاه واقعی خود

در جامعه برسند و بتوانند در راه توانمندسازی خود فعالیت داشته باشند و این حکومت نمونه‌ای باشد برای نشان دادن حکومت صحیح به دیگر حکومت‌های اسلامی و دیگر زنان مسلمان و حتی امت‌های غیراسلامی ممالک دیگر.

درواقع راه درمان و رسیدن به حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی<sup>(ه)</sup> حکومت اسلامی است که در ایران به صورت جمهوری اسلامی درآمده باشد؛ یعنی حکومتی که شالوده آن بر مبنای رأی مردم و متکی به آرای مستقیم و غیرمستقیم آنان بوده و در قوانین و شرایط تابع شرع مقدس است؛ بنابراین هر نظامی که فاقد این دو مشخصه باشد، نظام مورد نظر امام نیست؛ بنابراین آن‌هایی که جمهوریت نظام را مورد خدشه قرار می‌دهند و اعتقادی به آرای مردم ندارند، باید بدانند که در نظام سیاسی مورد نظر امام شالوده هرم قدرت با انتخاب مردم تشکیل می‌شود و مسئولان با واسطه یا بی‌واسطه مورد انتخاب مردم هستند؛ به عبارت دیگر این نظام درواقع راه درمان برای توانمندسازی زنان در جامعه است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۳۴).

درباره حکومت اسلامی می‌توان گفت، حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است؛ البته مشروطه نه به معنای تصویب قوانین تابع آرای اشخاص و اکثریت، بلکه مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> معین شده است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود؛ از این جهت حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است. در زیر سایه چنین حکومتی است که زنان به جایگاه رفیع خود می‌رسند و فضای توانمندسازی آنان فراهم می‌شود؛ زیرا اسلام به زنان بسیار توجه داشته است. به لحاظ اجتماعی - مذهبی، حضرت امام اندیشه سیاسی خودشان را ضرورت تشکیل حکومت در چارچوب احکام و قوانین اسلامی در راه تحقق بخشیدن به اجرای این احکام می‌دانستند که در آن زنان می‌توانند به جایگاه واقعی خود در جامعه دست یابند و در راستای توانمندسازی خود گام‌های مؤثری بردارند. حضرت امام<sup>(ه)</sup> راه درمان این موضوع را از میان برداشتن حکومت شاه و تأسیس حکومت اسلامی می‌دانستند. در حکومت اسلامی که مدنظر امام بود، نائل شدن جامعه اسلامی به پیشرفت، بالارفتن سطح زندگی مردم، توانمندسازی زنان و ورود به تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و رسیدن به آزادی واقعی و پاسداشت ارزش‌های اسلامی، همچنین

تأمین امنیت آن‌ها تا زمانی که به‌عنوان یک شهروند در مملکت اسلامی زندگی می‌کنند، جزء اصلی‌ترین ویژگی‌ها و مزیت‌هایی بود که مردم از آن برخوردار هستند. حضرت امام (ع) پس از موضع‌گیری در برابر تبلیغات منفی دشمنان و معترضان اندیشه حکومت اسلامی، مزایا و ویژگی‌ها حکومت اسلامی را از دیدگاه خودشان مطرح کرده‌اند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت اسلامی که در راستای راه درمان برای تحقق جامعه مطلوب و توانمندساز زنان در اندیشه‌های امام (ع) بسیار تأکید شده است، در واقع حکومت اسلامی همان حکومت عدالت است. عدالت در همه زمینه‌ها علی‌الخصوص در زمینه تساوی در حقوق زن و مرد. حضرت امام (ع) می‌فرمودند که بیشترین قشری که در دوره پهلوی مورد ظلم و ستم قرار گرفت زنان بودند و عدالت در حق آنان اجرا نشد و ما در حکومت اسلامی که به‌عنوان راه درمان به آن اشاره می‌کند، به‌دنبال اجرای عدالت در حق زنان هستیم. از آنجا که مهم‌ترین اندیشه‌های امام (ع) حول محور مردم و یاری‌رساندن به آن‌ها بود، برنامه‌ها و نقشه‌های ایشان نیز در جهت رفاه مردم و برآورده ساختن خواسته‌های آن‌ها بود. از آنجا که عدالت مهم‌ترین رکنی است که همه مردم و در همه زمان‌ها تشنه آن بوده و منتظر اجرای آن هستند، بنابراین این مشخصه در اندیشه‌ها و سخنرانی‌های حضرت امام (ع) تبلور یافته است.

حضرت امام (ع) در اندیشه حکومتی خویش معتقد بودند که باید برنامه‌ای مستقل مبنی بر عدالت، دموکراسی و قانون اساسی، آن‌هم قوانینی مطابق اسلام در جامعه مسلمانان به کار گرفته شود؛ چرا که نتیجه و حاصل عملی شدن قوانین اسلام، عدالت اجتماعی بود که به‌تبع آن آزادی واقعی برای مردم در جامعه به‌خصوص زنان به وجود می‌آید؛ و این خود قدمی در راستای تحقق توانمندسازی زنان بود در واقع این عدالت اجتماعی که با تأسیس حکومت اسلامی ایجاد می‌شود راه درمان و رسیدن زنان به توانمندسازی می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۷۱).

همان‌گونه که ذکر شد، راه درمان و راه حل امام خمینی (ع) در راه رسیدن به جامعه مطلوب زنان برای به دست آوردن جایگاه واقعی خود در جامعه و توانمندسازکردن خود تشکیل حکومت اسلامی بود که در ایران در قالب جمهوری اسلامی نمایان شد. حال چنین جامعه و حکومتی که به زنان نگاه ویژه و خاصی دارد بسیار کارآمدتر از جوامعی است که زنان را به بی‌راهه می‌فرستند. از شاخص‌های کارآمدی یک نظام، رویکرد آن به زنان است. حضرت امام (ع) با یک برنامه‌ریزی درباره موضوع زنان نگاهی پیشرو را در مقابل نگاه متحجرانه‌ای که می‌رفت تا سیطره یابد، مطرح کردند. نگاه متحجرانه سعی در محدودکردن زنان داشت تا از رشد و تعالی آنان جلوگیری کند.

در این شرایط حضرت امام<sup>(ع)</sup> همواره تأکید کردند که هیچ مانعی برای رشد و تعالی زنان به معنای آزادی واقعی وجود ندارد و این دیدگاه را در سخنرانی‌های خود طرح و در زمینه‌های مختلفی حتی صنعت مطرح کردند.

در سال‌های نخستین پس از انقلاب زمانی که حضرت امام<sup>(ع)</sup> ولادت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> را به عنوان روز زن اعلام کردند، روشن شد که در جمهوری اسلامی الگوی رفتاری حضرت فاطمه به عنوان دستور کار نه فقط در بحث حجاب، بلکه برای حرکت سیاسی و اجتماعی زنان و بلکه مردان در ایران مطرح است. حال آیا ما می‌توانیم حضرت زهرا را فقط از یک بعد «حجاب» ببینیم. اگر توانستیم «حجاب» را در کنار کرامت زن، فراهم کردن ارتقای جایگاهش در همه عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و غیره ببینیم، به نظر امام<sup>(ع)</sup> نزدیک شده‌ایم.

با نگاه به مطالب و بیانات امام خمینی می‌توان دریافت که امام معتقد به آزادی سیاسی و اجتماعی زنان بودند و که این خود نوعی تجدد در اسلام و ایران می‌باشد. اما زن مسلمان الگویی از تجدد را پیروی کرد که با الگوی غربی تجدد هم‌خوانی ندارد. الگوی انقلاب اسلامی در عین حال که فضا را برای استقلال فکری و عملی زن فراهم ساخت، به رعایت شئون انسانی و اخلاقی حساس بود تا مانع از شکسته شدن حرمت زن و انسان شود؛ بنابراین امروز لازم است نقش زنان مسلمان به پشتوانه آزادی و استقلالی که اسلام به آن‌ها داده است، تبیین شود؛ زنان دانشمند مسلمانی که در سراسر جهان به جهان علم و دانش کمک می‌کنند، زنان مسلمان فداکاری که سازمان‌های عظیم خیریه برای توان بخشی به نیازمندان را به راه انداخته‌اند، زنان مسلمان هنرمندی که جایگاه هنر را اعتبار می‌دهند و هزاران نمونه از این موارد.

همان‌طور که گفته شد، دیدگاه‌های امام<sup>(ع)</sup> در مورد حوزه فعالیت و حضور زنان در جامعه تاکتیکی نبود و پشتوانه‌ای اعتقادی داشت. ایشان معتقد بودند که در هیچ زمینه‌ای نباید استعدادها و توانایی‌های زنان به هدر برود یا محدود شود. وقتی فرمودند که نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی حتی بیش از مردان بود یا تأکید کردند که زنان باید در مقدرات اساسی کشور دخالت کنند، حوزه نقش‌آفرینی زنان را مشخص کردند. «دخالت در مقدرات اساسی کشور» یعنی حضور در بالاترین سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری و نه فقط شرکت در انتخابات برای رأی دادن. حال نگاهی به جایگاه و نقش زن در جامعه به عنوان حیثیت انسانی - که حیثیت اول آن است - می‌اندازیم. با مرور اندیشه‌های امام<sup>(ع)</sup> روشن می‌شود که از یک منظر، مسئولیت و نقش زن در خانواده و ارتباطش با تمام ارکان جامعه اعم از حکومت، مردم و نهادهای مدنی،

همچون پشتیبانی، همکاری و نوعی تعامل متقابل است تا حفظ کیان و منزلت خانواده و نیز ایفای مسئولیت خانواده، محقق گردد و هدف اصلی که تربیت انسان‌های فاضل، عادل، مستقل و مستعد برای توسعه اجتماعی است، فراهم شود. علاوه بر این، نقش انسان‌ساز و حضور مستقیم زن در فعالیت‌های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن بنا بر حیثیت انسانی‌اش نظیر مرد، به‌عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه، امکان عظیم دیگری است که حضور و نقش او را مضاعف می‌کند. از آنجا که در این جایگاه نیز حیثیت فرهنگی، تربیتی، ذاتی او همراه اوست، باید ملاحظات خاصی برای این حیثیت انسانی همراه با حیثیت دوم زن، صورت گیرد. بی‌تردید این حضور و مشارکت نباید در تعارض با نقش او در خانواده - که خود نیازمند تشویق و تواناسازی است - قرار گیرد؛ زیرا اساس جامعه با صلاح و فساد خانواده و زن ارتباط مستقیم دارد و این دو مسئولیت در کنار هم باید به‌عنوان یک ضرورت سازگار طراحی شود و هزینه آن را جامعه بپردازد.

حیثیت فرهنگی و تربیتی یک امر ذاتی و جزء محورهای اساسی جامعه اسلامی بوده و اساس قضیه است. حرکت دوم بار اضافی است که بر دوش زن به لحاظ حیثیت آن گذاشته می‌شود و نباید از آن غفلت شود؛ بنابراین باید از این توان الهی به نحو مؤثری بهره‌مند شد و چنانچه از این حضور در عرصه‌های ویژه نظیر امور تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و آموزشی بهره‌گیری مؤثر نشود، با زن در حد حیثیت انسانی او نظیر مردان برخورد نشده و این یک کفران نعمت است. نتیجه آنکه تنها جامعه زنان نیستند که باید به لحاظ مسئولیت‌های شرعی و اجتماعی خود نگران حقوق خویش باشند، بلکه جامعه و حکومت به‌مراتب باید درباره بهره‌مندی مؤثر از منابع انسانی ویژه خود و توانمندی‌های خدادادی آنان احساس نگرانی بیشتری کند؛ تا آنجا که اهداف توسعه پایدار متناسب با موازین الهی، با هزینه کمتر و بهره‌وری بیشتر محقق شود. بدین ترتیب امر تحقق جایگاه و نقش زن در جامعه یک ضرورت است و به‌طور طبیعی یک عقلانیت و درنهایت برنامه‌ریزی برای اصلاح نگرش‌ها در نهادهای دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تغییر ساختارها برای زمینه‌سازی این امر، از مسئولیت‌های قطعی حکومت اسلامی است. بعضی از شما خواهران آثار ادبی و هنری زنان هنرمند دنیا را که بعضی از آن‌ها به فارسی ترجمه شده و برخی به زبان‌های اصلی است، دیده یا خوانده‌اید. محتوای همه این کتاب‌ها حاکی از آن است که بشر هنوز توانسته مسئله زن و به‌تبع آن مسئله دو جنس و قهراً مسئله انسانیت را حل کند و هنوز زیاده‌روی‌ها، کج‌روی‌ها، بدفهمی‌ها و به پیروی از آن‌ها تعدی‌ها، ظلم‌ها و نارسایی‌های

روانی و مشکلات مربوط به خانواده و نحو اختلاط و امتزاج و ارتباط دو جنس، از مسائل مهم بشریت است. آنچه امروز بر سر زن غربی اعمال می‌شود یکی از مصادیق بزرگ ظلم جامعه بشری به زن است. با نگاه ابزاری و نگاهی که در نظام سرمایه‌داری به این قضیه شده است.

به نظر می‌رسد، در جامعه اسلامی ایران، علی‌رغم تحول اساسی ایجاد شده هنوز با چشم‌اندازی که امام <sup>(۳)</sup> ترسیم کردند، فاصله بسیار داریم؛ زیرا این شکاف عمیق در نگاه جوامع به زن و ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ریشه در عدم رجوع به راهبردها و چاره‌جویی‌های منبث از کلام وحی، اندیشه‌ها و سیره‌های فرهیختگان الهی و به تعبیر ما معصومین دارد.

شکاف عمیق بین جایگاه و نقش زن در اندیشه امام <sup>(۳)</sup> و وضع موجود، نشان از ضرورت ایجاد باور عمیق و جدید و همچنین تغییر در نگاه و به تبع آن تغییر در ساختارها و قوانین اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دارد و این امر نیازمند تحول است و به همان میزان که قوانین و مقررات، ساختارها و رفتارهای موجود با آنچه امام <sup>(۳)</sup> فرمودند، فاصله دارد، به همان میزان تحول عظیم‌تری لازم است. تحول امری است تدریجی، فرهنگی، علمی، مرحله‌ای و هدفمند؛ یعنی نیازمند برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بوده و باید با آن برخورد علمی شود. لذا بیش از آنکه نگرانی از این غفلت تاریخی نسبت به حیثیت زن در اندیشه امام <sup>(۳)</sup> نگرانی بانوان باشد، باید نگرانی حکومت‌ها باشد؛ و جامعه‌ای که به دنبال سعادت و نیکبختی است، باید این مهم را یک ضرورت تلقی نماید؛ بنابراین، این وظیفه حکومت اسلامی است که امر توجه به فرهنگ و تربیت را با محوریت زن، در عالی‌ترین سطوح راهبردی، حکومتی نمایند کند؛ تا بتوان در پرتو چنین نگاه و مرکزیتی، زمینه‌های تغییر ساختارها و رفتارها را در جامعه اسلامی برای رسیدن به جامعه فاضل، عادل، مستقل و مصون از تهاجمات فرهنگی محقق ساخت.

## نتیجه‌گیری

زنان نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند که همیشه در جامعه و قانون و ساختار مورد اجحاف قرار گرفته‌اند. جایگاه زنان در جامعه ایران جایگاه واقعی و مناسب نبوده و نیست و این ساختارها و قوانین مانع از توانمندسازی زنان در جامعه شده است. در ایران بعد از انقلاب اسلامی سعی در رفع این مشکل شده است، ولی آیا توانسته‌اند آن را رفع کنند؟ امام خمینی <sup>(۳)</sup> در راستای اصلاح جایگاه زنان در جامعه و توانمندسازی شدن آن‌ها در جامعه بیانات و فرمایش‌های زیادی داشته‌اند که با اجرا و عملی کردن آن‌ها در جامعه این مشکلات در راستای توانمندکردن زنان تا حدودی

رفع و رجوع شود. در این مقاله با بررسی بیانات امام خمینی<sup>(ع)</sup> براساس الگوی توماس اسپریگنز در سه مرحله وضعیت موجود زنان در جامعه بعد از آن بررسی وضعیت مطلوب زنان در جامعه وضعیتی که با ایجاد حکومت اسلامی و اجرای قوانین و مقررات آن در جامعه عملی می‌شود و سپس راه‌حل برای گذر از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب به وضعیت توانمندسازی زنان پرداخته شده است. امام خمینی<sup>(ع)</sup> به زنان نگاه ویژه‌ای داشته‌اند و آنان را در انقلاب و بعد از آن بسیار مؤثر می‌دانستند. ایشان به‌طور مستقیم بارها به جایگاه زنان در مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اشاره کرده‌اند و معتقدند زنان باید دوشاش مردان در جامعه حضور یابند و با حفظ شئون اسلامی به جایگاه مناسب خود برسند. ایشان جامعه مطلوب و مدینه فاضله را که در آن زنان توانمند می‌شوند و در جامعه به جایگاه مناسب خود می‌رسند جامعه‌ای می‌داند که در آن زنان همانند مردان در امور سیاسی شرکت کنند. توانایی رأی‌دادن مانند مردان و کسب مناصب سیاسی را داشته باشند. از لحاظ اجتماعی به آنان احترام گذاشته شود و قدردان زحمات آنان در مسیر انقلاب و بعد از آن باشند. از لحاظ فرهنگی جایگاه مناسب زنان در خانواده و جامعه گرامی دانسته شود؛ به عبارتی در تمامی عرصه‌ها به توانمندسازی زنان کمک شود. در ادامه به بیان ارائه راه‌حل از نگاه امام خمینی<sup>(ع)</sup> پرداخته شده است. ایشان راه‌حل گذار از جامعه موجود و راه رسیدن به جامعه مطلوب را برپایی حکومت اسلامی و اجرا و عملی کردن مقررات و قوانین آن می‌داند. ایشان معتقد است زنان در جامعه و حکومت اسلامی به جایگاه حقیقی خود می‌رسند و راه توانمندسازی زنان باز می‌شود و در واقع راه رسیدن زنان به توانمندشدن در واقع در حکومت اسلامی عملی می‌شود. این حکومت موانع ساختاری و عرفی و قوانین در این راستا را رفع و رجوع می‌کند و زنان به مناصب و جایگاه مناسب خود می‌رسند. در آخر این سؤال مطرح می‌شود که آیا جامعه امروز همان حکومت اسلامی مورد نظر امام خمینی<sup>(ع)</sup> است؟ آیا براساس گفته‌های ایشان زنان تا به امروز توانسته‌اند به جایگاه حقیقی خود برسند؟ آیا راه‌های توانمندسازی زنان در جامعه باز شده؟ یا همه در قالب حرف باقی مانده‌اند؟

## منابع

۱. اسپریگنز، توماس. (۱۳۸۲). فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: آگاه.
۲. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۱). حقوق در اندیشه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. \_\_\_\_\_ . (۱۳۵۷). سخنرانی در اجتماع زنان مجاهد، پرتال امام خمینی.
۵. روحانی، سید حمید. (۱۳۸۹). نهضت امام خمینی. تهران: عروج.
۶. مرتضوی، سیدضیاء. (۱۳۷۸). امام خمینی و الگوهای دین‌شناختی در مسائل زنان. تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. مکتبی، سید محمد و هدایتی، سعید. (۱۳۸۷). زن و خانواده از دیدگاه امام خمینی، تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.